

عنوان پژوهش

مبانی، ضرورت و جایگاه کار جمعی (تشکیلاتی) در اسلام

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۱۳

تاریخ: ۱۳۹۳/۳/۳



شناسنامه

عنوان:

مبانی، ضرورت و جایگاه کار جمعی (تشکیلاتی) در اسلام

مؤلف:

محمد سلیمانی درچه

ناظر علمی:

اکبر طلائیگی

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۱۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۳/۳

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

چکیده.....	۲
مقدمه.....	۳
مبانی قرآنی کار جمعی.....	۴
مبانی عقلی کار جمعی.....	۷
مبانی روایی کار جمعی.....	۱۰
الف - حلف الفضول و پیمان عقبه.....	۱۰
ب - شرطه الخمیس در عهد امیرمؤمنان(ع).....	۱۲
ج - سفیران و وکیلان ائمه معصومین(ع).....	۱۳
انواع کار جمعی.....	۱۶
قالب‌های کار تشکیلاتی.....	۱۶
الف- حکومت مصداق بارز تشکیلات.....	۱۷
ب- تشکیلات درون حکومتی.....	۱۸
۱- تشکیلات دولتی(حکومتی).....	۱۸
۲- تشکیلات غیر دولتی.....	۱۹
شاخصه‌های کار تشکیلاتی در قالب حکومت اسلامی در عصر پیامبر(ص).....	۲۲
الف- مرامنامه (مانیفست).....	۲۲
ب- انضباط و هماهنگی جمعی.....	۲۲
ج- تبعیت از فرماندهی.....	۲۳
د- مشورت.....	۲۳
ه - رعایت اخلاق تشکیلاتی.....	۲۴
منابع.....	۲۶

چکیده

زندگی انسان‌ها با اجتماع همدیگر پیوند خورده است و نیازهای آنان با گرد هم آمدن و انسجام گروهی آنان برطرف می‌گردد. کار جمعی به عنوان یک اصل ضروری و مهم در دین اسلام مورد توجه و تأکید واقع شده و در خلال بیان آداب و احکام شریعت در امور فردی و اجتماعی به فراخور به آن اشاره رفته است. از طرف دیگر از آن‌جا که انجام کار جمعی در قالب کار منسجم تشکیلاتی و گروهی، یک ضرورت حیاتی در تشکیل و تقویت «حزب» به عنوان محملی برای رفع نیازهای امت اسلامی در همه ابعاد سیاسی، فرهنگی و اعتقادی، اقتصادی، نظامی و ... شناخته می‌شود لذا پرداختن به آن اهمیت دو چندان پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی:

حزب، کار جمعی، تشکیلات، امت، اسلام، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از

منکر

مقدمه

طبیع انسان با زندگی اجتماعی به هم آمیخته و زندگی اجتماعی در سایه تعاون و اجتماع و مبادلات سامان می‌یابد. در این سیر، منافع انسان‌ها که بر مبنای امیال و غرایز شکل گرفته است با یکدیگر تعارض پیدا می‌کند و این تعارض نیازمند دستگاهی جهت تحقق نظم اجتماعی است، (منتظری، ۱۴۰۹: ۲۹۰) که همان حکومت است و البته پس از تشکیل حکومت نیز نیاز به کار جمعی از بین نمی‌رود.

از بررسی احکام و دستورات دین اسلام هم فهمیده می‌شود که بخش اعظم این دستورات همچون احکام مالی، احکام دفاع ملی و احکام حقوقی و جزایی اجتماعی و سیاسی است که مستلزم اجتماع مسلمین برای تشکیل نظام اجتماعی و حکومت اسلامی است (امام خمینی (ره)، ۱۴۲۳: ۲۹) و از آن جهت که مقررات اسلامی ماهیت اجتماعی دارد، حتی در فردی‌ترین مقررات از قبیل نماز نیز بعد اجتماعی آنها مورد توجه قرار گرفته و برگزاری آنها همراه با جماعتی از مسلمین توصیه شده است. مقررات فراوان اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و جزایی اسلام ناشی از این خصلت است و از مسئولیت اجتماعی اسلامی ناشی می‌شود (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۴۲) از همین رو به نظر می‌رسد تحقق مقاصد اصلی شریعت و هدف نهایی دین اسلام منحصرراً در گرو اجتماع مسلمین و همراهی آنان با همدیگر در انجام احکام الهی است، و در نتیجه در اغلب دستورات و احکام عبادی، اجتماعی و سیاسی، افراد ملزم یا توصیه به انجام آن به صورت جمعی شده‌اند.

لذا می‌توان گفت اجتماع مسلمین در امور عبادی، اجتماعی و سیاسی یک ضرورت بوده و دارای اصالت می‌باشد و مسلمانان از تکروری، گوشه نشینی، تعزب، رهبانیه و ... پرهیز داده شده‌اند چرا که از نظر اسلام راه آخرت از متن زندگی و مسئولیت‌های زندگی دنیایی می‌گذرد (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۴۲).

از سوی دیگر اسلام یک دین زندگی‌گراست نه زندگی‌گریز، لذا با «رهبانیت» به شدت مبارزه کرده (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۴۲)^(۱) و افراد را به حضور در اجتماع و فعالیت‌های جمعی توصیه نموده است چرا که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی لازمه حیات اوست و زندگی فردی و دور از جوامع انسانی شاید در موارد معدودی امکان پذیر بوده اما با زندگی مسئولانه انسان همخوانی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۴).

۱. لا رَهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ: در اسلام رهبانیت نیست. (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۸۰)

این دین الهی به دیدگاه اصالت فرد در عین اصالت جامعه و اصالت جامعه در عین اصالت فرد معتقد بوده (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۵: ۱۳۳) و لذا رشد و تعالی فقط به فرد منحصر نمی‌شود و در مورد ملت‌ها نیز مطرح می‌باشد (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۳: ۳۱۴). اسلام ابتدای فعالیت‌های خود را برای رشد و تعالی توأمان افراد و جامعه گذاشته است و سعی داشته با برجسته کردن مسئولیت‌های زندگی دنیایی راه رسیدن آحاد افراد در جامعه را از خلال کار جمعی و گروهی میسر سازد تا در این میان افراد با نظارت و هدایت یکدیگر در قالب تواصی، نصیحت، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، مانع فساد و گمراهی یکدیگر شده و در رسیدن به سعادت جمعی کوشا باشند.

مبانی قرآنی کار جمعی

در قرآن کریم علاوه بر آیاتی که از آن‌ها می‌توان به ضرورت زندگی اجتماعی پی‌برد^(۱)، دستوراتی هم برای دعوت مسلمانان به اجتماع و ایجاد گروه و تشکیلات اسلامی وجود دارد. برای اثبات ضرورت ایجاد تشکیلات جهت تحقق این موضوع در آیات و روایات، شاید بهترین کار توجه به واژه «امت» باشد که به‌طور خاص در دو آیه مربوط به امر به معروف و نهی از منکر (کنتم خیر امه...^(۲) / ولکن منکم امه...^(۳)) تکرار شده است. بدین معنا که خداوند متعال انجام این فریضه را از یک امت یعنی «جماعتی که وجه مشترک دارند» (قرشی، ۱۴۱۲ ج ۱: ۱۱۸) خواسته است. به طور مثال در آیه ۱۰۴ سوره مبارکه آل عمران خداوند متعال با استفاده از لفظ «امت»، مؤمنان را در جهت دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر امر به اجتماع و تشکیل گروه و تشکیلات می‌کند.^(۴)

۱. از آن‌جا که این موضوع محل بحث نیست برای مطالعه بیشتر ر.ک:

معزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۴، ص: ۳۸۸

برگزیده تفسیر نمونه، ج ۴، ص: ۵۰۸.

۲. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (آل عمران، ۱۱۰)

۳. وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ: و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند (آل عمران، ۱۰۴).

۴. البته در خصوص اینکه خداوند متعال فرمود: «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ» بعضی از مفسرین گفته‌اند: کلمه «مِنْ» برای تبیض است، چون امر به معروف و نهی از منکر- و به کلی دعوت به سوی خیر- از

برخی از مفسران از این آیه وجوب ایجاد «امت» برای انجام امر به معروف و نهی از منکر را استنباط نموده و با معادل سازی امت به جماعت خاص دارای فکر و هدف واحد^(۱) (حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۲: ۲۳۸) با تشکیلات و سازمان، ضرورت ایجاد تشکیلات برای تحقق این فریضه را اثبات نموده اند. لذا مساله در هر حال قائم به بعضی افراد جامعه است، نه به همه آنها. (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۷۸)

اما علی رغم آن چه بیان شد و با توجه به این که اصل امر به معروف و نهی از منکر واجبی مشروط است، طبیعتاً ایجاد تشکل برای آن نیز مشروط خواهد بود؛ مانند این که انجام آن تنها وقتی میسر باشد که گروهی کنار یکدیگر جمع شوند^(۲) و لذا نمی توان انتظار داشت تا در آیات و روایات وجوب آن به طور مطلق اعلام شده باشد و در واقع باز هم نقش عقل در سنجش لزوم یا عدم لزوم آن در شرایط مختلف برجسته می شود. البته همان طور که احتمال تعطیل امر به معروف و نهی از منکر به واسطه عدم ارتکاب منکر یا ترک معروف در جامعه، نزدیک به صفر است، احتمال عدم نیاز به تشکل مردمی برای مقابله با منکرات به ویژه نسبت به دولت- نزدیک به صفر است؛ چرا که اولاً، به طور طبیعی یک نفر به تنهایی قدرت لازم برای امر و نهی حکومت را ندارد، ثانیاً، منکرات در جوامع امروزی آن قدر پیچیده و بعضاً سازماندهی شده است که مقابله با آن جز از طریق تشکل امکان پذیر نیست. علت این که صرفاً به تشکل مردمی اشاره شد آن است که لزوم ایجاد تشکیلات برای امر به معروف و نهی از منکر یا دعوت به خیر، از سوی دولت به عنوان یک شخص حقوقی، امری بدیهی است که تصویری غیر از آن محال است (طلابکی، ۱۳۹۱: ۱۱۸).
البته به دلیل اختلاف بین فقها^(۳) در این که آیا منظور از «امت» در این آیه عموم

و اجابات کفایی است و مثل نماز و روزه واجب عینی نیست و قهراً وقتی در هر جامعه ای عده ای این کار را بکنند، تکلیف از سایرین ساقط می شود. ولی بعضی گفته اند: این کلمه «من» بیانیه است، و مراد از آیه شریفه این است که: «شما با این اجتماع صالح (و متمسک بحبل الله) که دارید، باید امتی باشید که به سوی خیر دعوت می کنند». (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۷۸)

۱. «و الامه بحسب المتفاهم العرفی عبارة عن جماعة خاصة لهم الوحدة الفكرية و غاية واحدة»:
۲. «اگر اقامه معروف و جلوگیری از منکر، موقوف بر اجتماع جمعی از مکلفین باشد واجب است اجتماع کنند»: (موسوی خمینی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲: ۷۵۶، مسأله ۲۷۸۷).

۳. منشا اختلاف نظر فقها در مورد کفایی یا عینی بودن این فریضه، تفسیری است که از کلمه «من» در عبارت «منکم امه» وجود دارد، چنانچه بعضی آن را «من» تبعیضیه می دانند که گروهی از مسلمانان را مکلف به اتیان این واجب می کند (وجوب کفایی) و بعضی آن را «من» تبیینی می دانند که همه امت

مسلمین است یا گروه خاصی از آنان (اختلاف در وجوب عینی یا کفایی این فریضه) و این که عینی بودن موجب می شود که «امت» معنای گروه خاص را از دست بدهد، بعضی نتوانسته اند با استناد به آیات و روایات این ضرورت را اثبات کنند و ناچار شده اند وجوب ایجاد تشکیلات را به لحاظ عقلی و به عنوان مقدمه واجب اثبات نمایند^(۱): «از آن جا که مصادیق امر به معرف و نهی از منکر بسیار وسیع است قطعا بالوجدان می یابیم که بعضی از مصادیق آن احتیاج به کار گروهی و تشکیلات دارد مانند نظارت بر کارگزاران حکومتی و... لذا ایجاد آن از باب مقدمه واجب - مقدمه ای که عقلی است و وجوب عقلی دارد - واجب می شود» (پورمولا، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

در آیه ۱۵۹ سوره مبارکه اعراف نیز خداوند متعال گروهی از قوم موسی (ع) را که مردم را به سوی حقیقت هدایت کرده و بر اساس حق قضاوت و داوری می کنند ستایش می کند^(۲) و البته امروزه با گسترده شدن نظامات اجتماعی و قضایی، تردیدی وجود ندارد که هیچ کدام از امور دعوت به خیر و هدایت و امر به معروف و نهی از منکر بدون انجام کار منسجم، گروهی و تشکیلاتی امکان پذیر نیست.

علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۶۰ سوره مبارکه انفال^(۳) با اشاره به امر خداوند متعال در خصوص آمادگی دفاعی و نظامی مسلمانان در برابر دشمنان، خطاب در این آیه را عام دانسته و آن را متوجه تمامی مسلمین می داند. (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۵۰) ایشان «اعداد» در این آیه را به معنای «تهیه کردن چیزی که انسان با آن چیز به هدف دیگری که دارد برسد، که اگر قبلا آن را تهیه ندیده بود به مطلوب خود نمی رسید» تعبیر کرده و در بیان معنای «قوه» آن را به معنای هر چیزی می داند که با وجودش کار معینی از کارها

مسلمان را مکلف دانسته است (وجوب عینی).

۱. «فرضیه اول ما مبنی بر وجوب شرعی چنین تشکیلاتی ثابت نشد و آن چه که ثابت شد وجوب عقلی و مقدمه ای این مطلب بود» (پورمولا، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

۲. وَ مِنْ قَوْمٍ مُّوسَىٰ أُمُّهُ يَهُدَىٰ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَغْدِلُونَ. و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می کنند و به حق داوری می نمایند. (اعراف: ۱۵۹)

۳. وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوُّ اللَّهِ وَ عَدُوُّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ: و آماده کنید برای (کار زار با) ایشان هر چه را می توانید از نیرو و از اسبان بسته شده که بترسانید با آن دشمن خدا و دشمن خود را و دیگران را از غیر ایشان که شما آنان را نمی شناسید و خدا می شناسد، و آنچه که در راه خدا خرج کنید به شما پرداخت می شود و به شما ظلم نخواهد شد. (انفال: ۶۰)

ممکن می‌گردد، و در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان پذیر است، از قبیل انواع اسلحه و مردان جنگی با تجربه و دارای سوابق جنگی و تشکیلات نظامی (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۵۱).

در نتیجه برای تحقق دستور خداوند متعال نسبت به آمادگی دفاعی و نظامی در برابر دشمنان، همانگونه که تجهیزات نظامی و دفاعی و وجود مردان جنگی ضرورت دارد، ایجاد و مدیریت یک تشکیلات منظم و منسجم جهت آموزش و تربیت جنگجویان، ساخت تجهیزات و ادوات جنگی و ... نیز اهمیت به سزایی دارد.

حزب هم که تجلی یک کار و فعالیت جمعی برای هدفی واحد در عرصه اجتماع است، واژه‌ای غربی و وارداتی نیست، بلکه کلمه اسلامی و قرآنی است: «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»، «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» و چقدر هماهنگ است این آیه با آیه ۱۰۴ سوره آل عمران: «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». حزب الله واقعی وقتی تحقق می‌یابد که افرادی با فکر و ایده صحیح و برنامه جامع مناسب با شرایط زمان و مکان و مطابق با دین و عقل و منطق هماهنگ شوند و به تدریج رشد پیدا کنند، نه این که با تحریکاتی غیر معقول و در جهت اهداف جناحی و سیاسی متشکل و یا خلق الساعه جمع شوند و به توهین و تخریب و شعارهای زننده پردازند و سپس متفرق شوند. (منتظری نجف‌آبادی، بی‌تا، ج ۲: ۲۶۶-۲۶۸).

با این بیان فهمیده می‌شود قرآن کریم توصیه اکید برای کار و فعالیت جمعی از طریق اجتماع مسلمانان دارد و حزب نیز که تجلی کار و فعالیت جمعی مردمان به منظور هدفی واحد در عرصه اجتماع است ریشه‌ای قرآنی دارد و بر اساس اصول اسلامی و اندیشه دینی وضع شده است.

مبانی عقلی کار جمعی

انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی لازمه حیات اوست و زندگی فردی و دور از جوامع انسانی شاید در موارد معدودی امکان پذیر بوده اما با زندگی مسؤولانه انسان همسانی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۴). این امر از آن رو است که طبع انسان با زندگی اجتماعی به هم آمیخته و زندگی اجتماعی در سایه تعاون و اجتماع و مبادلات سامان می‌یابد. لذا انسان برای رشد همه جانبه خود و تعالی روحی

نیازمند زندگی اجتماعی و کار و فعالیت بصورت جمعی می باشد.

از سوی دیگر امروزه با گسترده تر شدن نیازهای انسان ها و افزایش حجم تبادلات و تعاملات افراد، هیچ کس نمی تواند بدون همیاری و همکاری دیگران نیازهای مادی و معنوی خود را برطرف کند. در حقیقت در دنیای امروز حیات و زندگی افراد به رفع نیازهایشان توسط یکدیگر گرده خورده است. لذا یکی از حیاتی ترین لوازم زندگی بشری، اجتماع مردمان برای برآوردن نیازهای اجتماعی یکدیگر و مشارکت و همیاری در سایه تعاون عمومی است که جز با انجام کارهای جمعی محقق نمی شود.

بی تردید حکومت هم که ضرورتی ترین کار جمعی برای زندگی بشری بوده است و در همه اعصار و هیچ دوره ای حتی در عصر حجر نیز حیات انسانی از نظم اجتماعی شبیه به مفهوم دولت خالی نبوده است (منتظری، ۱۴۰۹: ۱۰۱)، بدون اجتماع افراد و کار جمعی آنها امکان پذیر نمی شود و لذا یکی از حیاتی ترین لوازم زندگی بشری دستگاهی جهت تکفل نظم اجتماعی می باشد تا از هرج و مرج و اختلال در نظام زندگی اجتماعی جلوگیری نماید. در نتیجه کار جمعی برای تشکیل حکومت و مقابله با هرج و مرج و حفظ نظم اجتماعی ضروری است.

در این میان باید توجه داشت که بسیاری از احکام عبادی-سیاسی اسلام نیز تنها در قالب فعالیت گروهی مسلمین ممکن خواهد شد. با توجه به آنچه بیان شد، استناد بعضی فقها به آیات و روایات را که در مقام توجیه مشروعیت ایجاد حزب در جامعه اسلامی صورت می گیرد، باید صرفاً به عنوان مؤیدی برای تقویت استدلال های عقلی ایشان تلقی نمود که به یک نمونه از این دلایل اشاره می شود:

«امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر وجوب فردی و مقطعی در موارد جزئی، نسبت به ساختار دینی و اخلاقی جامعه نیز واجب مؤکد است؛ و این امر میسر نیست مگر با تشکّل و تحرّب افراد مؤمن و آگاه و صالح و همبستگی آنان و تهیّه مقدمات و وسایل لازمه، هماهنگ با شرایط زمان و مکان؛ و به حکم عقل تحصیل مقدمه واجب، واجب است؛ خواه مسئولین بالای حکومت صالح باشند یا ناصالح، اگر صالح باشند احزاب متدین و قوی و علاقه مند نیروی فعال و مردمی آنان خواهند بود، و اگر غیر صالح باشند احزاب در مقابل انحرافات و تعدّیات آنان می ایستند؛ و حتی اگر در رأس حکومت مانند پیامبر خدا (ص) یا امیر المؤمنین (ع) باشد باز همه جامعه و مسئولین،

صالح نمی‌باشند و طبعاً نیاز به نیروی متشکل متدین فعال وجود دارد. در صدر اسلام نیز تا اندازه‌ای تشکّل‌ها و همبستگی عشیره‌ای و قبیله‌ای عرب‌ها یک نحو تحزّب محسوب می‌شد؛ و اگر افراد خوب و صالح متشکل نشوند طبعاً صحنه اجتماع برای تسلط نیروهای ناصالح و فاسد خالی می‌شود و جامعه به فساد کشیده می‌شود. امیر المؤمنین (ع) در وصیت خود می‌فرماید: «لا تتركوا الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یتستجاب لکم.» و در خطبه ۲۵ در اشاره به نیروهای معاویه می‌فرماید: «و إني و الله لأظنّ أنّ هؤلاء القوم سیدالون منکم باجماعهم علی باطلهم و تفرّقکم عن حقّکم.» حضرت می‌خواهند بفرمایند: در حقیقت علت و ملاک تسلط و قدرت، اجتماع و همبستگی است؛ پس اگر اهل حق بخواهند حق را در جامعه پیاده کنند باید تجمع کنند، وگرنه پیروزی و دولت از آن باطل خواهد بود، و چون امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی می‌باشد نه عینی، همین که افراد متخصص عاقل متدین و پرکار به اندازه کفایت و نیاز اقدام کردند طبعاً از عهده دیگران ساقط می‌شود، و آنان متصدی کارهای دیگر می‌شوند. (منتظری نجف‌آبادی، بی‌تا، ج ۲: ۲۶۶-۲۶۸).

البته در این که واژه «حزب» یک لغت عربی است که در قرآن نیز به کار رفته، شکی نیست اما آن‌چه در جامعه امروز ما مصداق حزب تلقی می‌شود، ساختاری است که در غرب بدان «party» گفته می‌شود، لذا برای تعریف حزب الله و تعیین اهداف و کارکردهای آن نیازمند یک کار عمیق و اصیل اسلامی هستیم که در کنار استفاده از تجارب روز، به معایب احزاب غربی دچار نشود: «البته تحزّب باید بر اساس ایدئولوژی اسلامی و طرح‌های پخته و عاقلانه و با شرکت افراد علاقه‌مند و آگاه و دلسوز، و اهداف دینی و مردمی باشد؛ و باید به کیفیت افراد توجه کرد نه به کمیت، عضوگیری افراد زیاد کاری است پرهزینه و کم خاصیت» (منتظری نجف‌آبادی، بی‌تا، ج ۲: ۲۶۷) به دلیل اجتناب از مشکلات نظام‌های حزبی غرب است که بعضی به‌جای ایجاد حزب بر تقویت مساجد و هیات‌های مذهبی با تکیه بر انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر تاکید دارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳: ۱۵۱-۱۵۶).

بدین ترتیب بدلیل مدنی بالطبع بودن انسان، رفع نیازهای بشر، تشکیل حکومت و اجرای بسیاری از احکام اسلامی می‌توان فهمید که کار جمعی یک ضرورت عقلی انکارناپذیر است.

مبانی روایی کار جمعی

کار جمعی و تشکیلاتی در سیره معصومین (ع) نقشی برجسته و جایگاهی ارزشمند داشته است. ایشان سعی می‌کردند امور جاری مربوط به تشکیلات اسلامی را غالباً از طریق تشکیل گروه‌هایی از مسلمانان و شیعیان و پیمان‌هایی با سایر قبایل و ادیان برقرار سازند تا به اهداف خود برسند. نمونه این امر را در سیره رسول گرامی اسلام (ص) پیش از اسلام و در ماجرای فتح مکه و در انعقاد حلف الفضول و پیمان عقبه می‌توان ملاحظه کرد. پس از ظهور اسلام نیز دستورات و احکام اسلامی متعدد مبنی بر تشکیل اجتماعات مسلمانان و انجام امور جامعه اسلامی به شکل جمعی و گروهی - که پیشتر اشاره رفت - خود بارزترین نشانه اهمیت این موضوع است.

در دوران خلافت حضرت امیرالمؤمنین (ع) هم وجود برخی تشکیلات مردمی که امور مربوط به حکومت را تصدی‌گری می‌کردند حکایت از این امر دارد. وجود «شرطه الخمیس» در این دوران توانسته بود ظرفیت‌های مردمی در دفاع از حکومت اسلامی و رفع برخی نیازهای امت اسلامی را به صورت بالفعل در آورد.

با بررسی دوران سایر ائمه معصومین (ع) هم فهمیده می‌شود که هرچه به دوران غیبت امام عصر (عج) نزدیک‌تر می‌شویم، نقش وکالت و نمایندگی از جانب امام در سرزمین‌های اسلامی بیشتر و جدی‌تر می‌شود به شکلی که نمایندگان امام (ع) نقش عمده‌ای را در حفظ انسجام شیعیان و رهبری آنان تحت ولایت امام بر عهده داشتند و وظایف متعددی را بر دوش گرفته بودند تا جامعه مہیای دوران غیبت کبری گردد.

در زیر مختصراً به حلف الفضول، پیمان عقبه، شرطه الخمیس و وکالت و نمایندگی از جانب ائمه (ع) به عنوان مهمترین مظاهر کار جمعی و تشکیلاتی در دوران معصومین (ع) اشاره شده تا جایگاه آن در سیره این بزرگواران روشن‌تر گردد.

الف - حلف الفضول و پیمان عقبه

نخستین جرقه‌های کار جمعی توسط پیامبر (ص) با پیمان «حلف الفضول» و پیمان عقبه زده شد. طبق پیمان حلف الفضول قبائل بنی هاشم، بنی مطلب، اسد بن عبد العزی، زهره بن کلاب، و تیم بن مره، در خانه عبد الله بن جدعان اجتماع کرده، و سوگند یاد کردند که به هر کس در شهر مکه ستم و ظلمی شد چه از اهل شهر مکه باشد و چه از غیر آن شهر به پشتیبانی او قیام کرده از پای ننشینند تا حق او را از

ستمگری که به او ظلم کرده بگیرند و به او باز گردانند، و این سوگند را قریش «حلف الفضول» نامیدند. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱: ۸۸).

طبق «پیمان عقبه» نیز دوازده نفر که ده نفرشان از قبیله خزرج و دو نفرشان از قبیله اوس بودند، در بیعتی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که به عقبه اولی معروف شد، تعهد کردند «برای خدا شریکی قائل نشوند، دزدی نکنند، مرتکب زنا نشوند، فرزندان خود را نکشند، بهتان و افترا نزنند و در کارهای نیک نافرمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله را نکنند» و چون تا آن روز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مأمور به جنگ با کفار و مشرکین نشده بود، از این رو در بیعت با آنها شرط جنگ نبود و تنها شروط اخلاقی و معنوی در پیمان قید شده بود و ضمانت اجرای آن نیز غالباً اخروی بود؛ چنانکه فرمود: و اگر وفا نکردید چنانچه حد آن عمل در دنیا بر شما جاری شد همان حد کفاره آن گناه باشد و چنانچه مکتوم ماند و تا پایان عمر معلوم نشد سر و کارتان با خدا است که عذاب کند یا بیامزد (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲۸۱).

پس از انجام این پیمان (عقبه) همینکه آن دوازده نفر خواستند به مدینه بازگردند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای حفظ و استمرار ارتباط تشکیلاتی و گروهی خود با آنان و رشد و تربیت آنان، مصعب بن عمیر را به همراه ایشان به مدینه فرستاد تا قرآن را به آنها تعلیم دهد و دستورات اسلام را به آنها بیاموزد (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲۸۱).

توجه پیامبر (ص) به دقایق کار تشکیلاتی نیز قابل توجه است؛ برای انسجام و وحدت بیشتر این جمع محدود، وقتی هنگام نماز می‌شد، مصعب بن عمیر در جلو می‌ایستاد و مسلمانان مدینه پشت سرش نماز می‌خواندند، و جهت این کار هم این بود که هر یک از افراد اوس یا خزرج به نماز می‌ایستادند افراد قبیله مقابل خوش داشتند پشت سرش به نماز بایستند، ولی به امامت مصعب همگی راضی بودند (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲۸۱).

از سوی دیگر با شکل گیری نظام سیاسی اسلام و نظام مند تر شدن کار جمعی در جزیره العرب، نخستین شالوده یک نظام اداری متناسب با شرایط آن روز مردم مدینه، که پیش از آشنایی با اسلام، فاقد هرگونه پیکره اجتماعی خاص بودند و هیچ نوع اقتدار سیاسی فراگیر و یا نظام اداری در میانشان وجود نداشت، با تحقق دومین «بیعت عقبه»، پیش از هجرت در سال سیزدهم بعثت، با بیعت ۷۵ نفر گذارده شد (حمیدالله، ۱۳۷۴: ۹۲). در این بیعت که جنبه دفاعی و نظامی داشت، حضرت به حاضران فرمود:

«پیمان من با شما این است که باید همانطور که از زنان و فرزندان خود دفاع می‌کنید از من نیز دفاع کنید.» (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲۹۰) و پیامبر (ص) و حاضران متعهد شدند تا از همدیگر در برابر دیگران دفاع کنند. سپس پیامبر (ص) فرمود: «موسی (ع) از بنی اسرائیل دوازده نقیب برگزید، من هم دوازده نقیب برمی‌گزینم» و چون ایشان را برگزید به ایشان فرمود شما کفیل دیگرانید همچنانکه حواریون عیسی بن مریم (ع) بودند و من هم کفیل قوم خود هستم (کاتب واقدی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۰۸).

کلمه «نقیب» به معنای کسی است که از قومی آمار می‌گیرد، و احوال آن قوم را پی گیری می‌نماید، و جمع آن «نقباء» است^(۱) (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۸۲۰) علامه طباطبائی نیز در تفسیر آیه ۱۲ سوره مبارکه مائده^(۲) در بیان معنای «نقیب» اشاره می‌کند که علی الظاهر منظور از این دوازده نقیب دوازده رئیس است، که هر یک بر یکی از اسباط دوازده‌گانه بنی اسرائیل ریاست داشتند، و به منزله والی بر آنان بودند، کارهای آنان را فیصله می‌دادند، و نسبتی که این دوازده نقیب به دوازده تیره بنی اسرائیل داشتند نظیر نسبتی بوده که اولی الامر به افراد این امت دارند، در حقیقت مرجع مردم در امور دین و دنیای آنان بودند (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۹۰). پس می‌توان گفت وظیفه نقبای تعیین شده توسط پیامبر (ص) مسئولیت مدیریتی، تبلیغ اسلام و زمینه سازی مهاجرت پیامبر و مسلمانان به مدینه بود. (حمیدالله، ۱۳۷۴: ۹۲)

ب - شرطه الخمیس در عهد امیر مؤمنان (ع)

نمونه دیگری از کار جمعی و تشکیلاتی مردمی در عصر معصومین (ع) تشکیل «شرطه الخمیس» در عهد امیر مؤمنان (ع) می‌باشد. «شرطه» در عبارت «شرطه الخمیس»، برگرفته از مادهی «شرط»، به معنای علامت، نشان، ارتش و گروهی از جنگجویان است که خود را با نشانی ویژه، نشان دار می‌کنند. هم چنین اولین گروهی از ارتش که وارد جنگ می‌شود و یا گروهی از ارتش که همیشه آمادهی جنگ و مهیای مرگ است و خود را با نشانی خاص، جهت شناسایی نشان دار کرده است. «صاحب الشرطه»؛ یعنی، حاکم، سلطان، فرماندار، امیر شهر (ابن منظور، ج ۷: ۳۲۹ و طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴:

۱. النَّقِيبُ: الْبَاحِثُ عَنِ الْقَوْمِ وَ عَنْ أحوالهم، وَ جَمْعُهُ: نُقَبَاءُ.

۲. وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا: خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت، و ما از میان آنان دوازده مراقب انتخاب و مبعوث کردیم (مائده: ۱۲)

۲۵۷). «الخمیس» به فتحه هم به معنای ارتش است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۶۶). در گذشته ارتش به پنج دسته تقسیم می‌شد: میمنه (جناح راست)، میسره (جناح چپ)، قلب، مقدمه (پیشرو) و ساقه (عقبه). به همین جهت، به ارتش «خمیس» گفته می‌شد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۶۷). شرطه الخمیس نخستین بار در زمان امام علی (ع)، مطرح شده و مراد از آن گروهی خاص از یاران امام علی (ع) بوده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵: ۱۷۶) تا جاییکه در بعضی از منابع، سلمان و ابوذر هم از اعضای «شرطه الخمیس» شمرده شده‌اند.

«شرطه الخمیس» چند هزار نفر از افراد تحت فرمان حضرت علی (ع) بودند که با حضرت عهد بستند تا پای مرگ در رکابش باشند. در روایتی آمده که از اصبح بن نباته (فرمانده شرطه الخمیس و یار وفادار امام علی (ع) پرسیدند: چرا «شرطه الخمیس» نام گرفتید؟ گفت: ما کشتن دشمن را ضمانت می‌کردیم و آن حضرت پیروزی و بهشت را برای ما ضمانت می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲: ۱۸۱). از مجموع گزارش‌های تاریخی بر می‌آید که «شرطه الخمیس» دارای ویژگی‌های ذیل بوده است: ۱. همیشه مسلح، آماده و همراه امام بودند؛ ۲. در جنگ‌ها پیشرو سپاه بودند؛ ۳. همیشه گوش به فرمان و آماده بودند و در اجرای فرمان امام (ع)، چون و چرا و تعلل نمی‌کردند؛ ۴. با آن حضرت بر مرگ خود بیعت کرده بودند (یا پیروزی یا مرگ)؛ ۵. مردانی وارسته، فرهیخته و با تقوا بودند؛ ۶. از قبایل مختلف بودند؛ ۷. در غیر زمان جنگ نیز آماده و همراه امام بودند و مأموریت‌های مهم و ویژه‌ای (چون اجرای حدود) به عهده‌ی آنان بود (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۳۴۶؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۳: ۲۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۳۱۶؛ ابن مزاحم، ۱۴۰۴ ق: ۴۰۶).

درباره تعداد «شرطه الخمیس» که در حقیقت فداییان حضرت بودند، آمارهای مختلفی ارائه شده است. اما در برخی نقل‌های مستند تعداد آنان را بین پنج تا شش هزار نفر ذکر کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲: ۱۵۲).

ج - سفیران و کیلان ائمه معصومین (ع)

از دیگر اقدامات ائمه معصومین (ع) در انسجام جمعی و کار گروهی و تشکیلاتی شیعیان نصب و کیلان و اعزام سفیران به مناطق مختلف اجتماع شیعیان بوده است. متعارف‌ترین دلیل مراجعه به وکیل در طول دوران فعالیت سازمان وکالت از زمان امام

صادق(ع) تا پایان دوره غیبت صغری، پرداخت وجوه شرعی و هدایا و نذورات مردمی بود. البته کار وکیلان به این مورد منحصر نمی‌شد. شواهد نشان می‌دهد که آنان نقش ارتباطی میان مردم و امام را داشته‌اند. آنان نامه‌ها، پیام‌ها، پرسش‌ها و مشکلات فردی یا عمومی شیعیان را به محضر امامان(ع) می‌رساندند و پس از دریافت پاسخ، آن را به افراد ابلاغ می‌کردند(جباری، ۱۳۸۰: ۱۶۱). این نقش در دوران غیبت صغری به دلیل غیبت امام جایگاه مهم‌تری یافت؛ زیرا سفیران در این دوران، تنها راه ارتباطی شیعیان با امام(عج) بودند.

در دوران امامت امام صادق(ع) ایشان آنچنان هوشیارانه فعالیت های سازمان را هدایت می‌کرد که عباسیان به هیچ عنوان قادر نبودند از وجود آن آگاهی یابند. آن حضرت از روی تقيه از پیروانش می‌خواست تا وظایفی را نسبت به سازمان انجام دهند، بی‌آنکه بدانند در واقع کارگزاران اویند. شیخ طوسی روایت می‌کند نصر بن قابوس لخمی بیست سال وظیفه وکالت او را انجام داد بی‌آنکه بداند واقعا به عنوان وکیل آن حضرت منصوب شده است(جاسم، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

با وجود مشکلاتی که نظام وکالت در مراحل نخستین با آن مواجه شد، نواحی تحت پوشش وکلا و محدوده اقتدار آنان در زمان امام کاظم(ع) با تشدید فعالیت‌ها گسترش می‌یافت. مراسم حج به صورت ابزاری در ایجاد ارتباطات با یکدیگر به کار می‌رفت. آن حضرت در سایر بلاد وکلای زیادی مانند حیان سران در کوفه، محمد بن ابی عمیر در بغداد و یونس بن یعقوب بجلی در مدینه داشت.(جاسم، ۱۳۸۵: ۱۳۶)

تشکیلات و سازمان وکلا در دوران امامت امام رضا(ع) و امام جواد(ع) نیز ادامه یافت. در این دوران وکلای ایشان عبارت بودند از عزیز بن مهتدی در قم، صفوان بن یحیی در کوفه، عبدالله بن جندب و عبدالرحمن بن حجاج در بغداد و عبدالرحمن بن حجاج به همراه هشتاد وکیل دیگر رهبری سازمان را تا زمان امام نهم، حضرت جواد(ع) به عهده داشتند و موفقیت چشمگیری در حفظ تشکیلات از انشعابات جدید، به دست آوردند.

در دوران طولانی امامت حضرت امام هادی(ع) بر اثر محدودیت‌های متوکل عباسی، ارتباط مستقیم بین امام(ع) و پیروان ایشان محدود و سخت شد و از این رو نقش مذهبی و سیاسی وکالت را افزایش داد به نحوی که کارگزاران (وکلاء) امام، مسئولیت بیشتری در گردش امور یافتند. به تدریج نهاد وکالت تنها محملی شد که می‌توانست

حقانیت امام جدید را تعیین و ثابت کند. (جاسم، ۱۳۸۵: ۱۳۷)

در زمان امام دهم و امام یازدهم رهبری سازمان در چهار ناحیه تنها در انحصار چهار نفر قرار داشت. مسئولیت آنها پس از خودشان به اعقابشان می‌رسید و در طول غیبت صغرای امام دوازدهم در اختیار ایشان قرار داشت. به عنوان نمونه، علی بن مهزیار وکیل امام جواد (ع) و امام هادی (ع) در اهواز بود، و پسرانش در همان ناحیه وکلای امام دوازدهم بودند (جاسم، ۱۳۸۵: ۱۳۹)

در دوران غیبت صغری هم امام دوازدهم (ع) فعالیت های خود را از پشت صحنه دنبال می‌کردند و پیروان خویش را از طریق چهار نماینده برگزیده خود رهبری می‌نمودند که این نمایندگان را سفرا می‌خواندند. نخستین آنها عثمان بن سعید عمری، دوم پسرش محمد، سوم حسین بن روح نوبختی و چهارم علی بن محمد سمری بودند. وظیفه عمده سفرا، اجرای وظایف مشخصی بود که پیش از این توسط امامان انجام می‌گرفت، تا آنان را از فشار سیاسی عباسیان مصون دارند. (جاسم، ۱۳۸۵: ۱۴۰)

همچنین سفیران چهارگانه وجوهاتی که امامیه پیش از این به ائمه (ع) می‌پرداختند را جمع‌آوری کرده و دریافت می‌داشتند. طبق مآخذ امامیه همه این سفیران در وصول وجوهات دست به اعجازهایی می‌زدند تا پیروان و هواداران شیعی، حقانیت ایشان را باور کنند. به علاوه بسیار محتمل به نظر می‌رسد که در تعقیب این سیاست امام از وکلای خود و مبلغان خویش خواسته باشند تا تلاش های خود را متمرکز بر تقویت کیفی و کمی حزب خویش قرار دهند، تا آنکه ابزار سیاسی و عقیدتی به درجه‌ای برسد که بتوان آن را به مرحله عمل نزدیک کرد. درحالی‌که درگیری وکلا در تلاش سیاسی سریع به بهای افزایش تعداد پیروان و توسعه بنیادهای سیاسی و عقیدتی سازمان تمام می‌شد (جاسم، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

نتیجتاً آنکه اگرچه در دوران امامت سایر امامان شیعه علیهم السلام حکومتداری و حکمرانی میسر نبود اما کار جمعی و تشکیلاتی رها نشد و در قالب سازماندهی سفیران و نهاد وکالت توسعه یافت. این نهاد با درگیر کردن تعداد بسیاری از اصحاب و شیعیان، وظایف مشخصی را به عهده داشت تا مردم از نور و برکت مقام امامت در دوران سخت خلفای عباسی بهره مند گردند.

تا این بخش از مقاله به اختصار به مبانی و ضرورت کار جمعی از منظر عقل و دین

پرداخته شد. اینک انواع کار جمعی را بررسی می‌کنیم تا جایگاه فعالیت‌های حزبی در میان کارهای تشکیلاتی مختلف دریافته شود:

انواع کار جمعی

کار جمعی و گروهی در دو دسته کلی کار جمعی «کلان و خرد» و «پایدار و ناپایدار» قابل تقسیم است (نصرآبادی، ۱۳۸۲: ۱۰۴). خرد ترین کار جمعی، همان همکاری‌های چند نفره دوستانه و خانوادگی است و کلان‌ترین کار جمعی را می‌توان در اجتماع توده‌های یک ملت برای مقصد و هدفی خاص جستجو کرد.

منظور از گروه‌های ناپایدار آن دسته از تجمع‌های اجتماعی هستند که پایداری و ثبات گروه‌های اجتماعی ثابت را ندارند، اما آثار و بازتاب‌های زیادی در حرکات و تحولات اجتماعی می‌گذارند. این‌گونه گروه‌ها معمولاً بر اثر شرایط خاص و به صورت خودجوش و بر پایه عواطف و احساسات روانی و اجتماعی ناپایدار پدید می‌آیند و با گذر زمان و تغییر شرایط از بین می‌روند (نصرآبادی، ۱۳۸۲: ۱۰۴). نمونه اجتماع کلان و ناپایدار را می‌توان در قیام و انقلاب آحاد یک جامعه برای سرنگونی حکومت‌هایشان و تأسیس و ایجاد حکومت جایگزین یافت.

پس از این اقدام، همراهی و همکاری افراد در اداره تشکیلات دولتی و حکومتی به مثابه نهادهای دیوان سالار در کلان‌ترین اجتماع افراد در یک کار جمعی، به عنوان «کار جمعی کلان و پایدار» امری ضروری و مهم است.

از سوی دیگر کار جمعی خرد را می‌توان در سایر اجتماعات انسانی به وفور یافت. اجتماعاتی که پیرامون اهداف، ارزش‌ها و هنجارهای مختلف از قبیل اهداف سیاسی، اقتصادی، مذهبی، ملی، انسانی و ... شکل می‌گیرد.

بدیهی است برای انجام هر نوع کارهای جمعی به بهترین شکل خود، ایجاد و راه‌اندازی یک تشکیلات، اصلی اساسی و ضروری است. هر چقدر تشکیلات منسجم‌تر شکل گیرد و افراد در یک سازمان مشخص با اهداف روشن و اختیارات و مسئولیت‌های دقیق درگیر کار جمعی باشند، آسان‌تر می‌توانند به هدف کار جمعی نائل شوند.

قالب‌های کار تشکیلاتی

کار جمعی و تشکیلاتی در قالب‌های مختلفی انجام می‌شود. حکومت به عنوان بارزترین

مصدق کار تشکیلاتی است که امروزه از نیازهای اساسی بشر می‌باشد. البته کار تشکیلاتی در درون هر حکومتی خود به کار تشکیلاتی دولتی و غیر دولتی تقسیم می‌شود که بر اساس اهداف و نیازهای افراد جمع شده در ذیل آن به پیش می‌رود و تفصیل آن در زیر می‌گذرد.

الف- حکومت مصداق بارز تشکیلات

تشکیل حکومت که همواره یکی از ضروریات زندگی بشری بوده و در هیچ دوره‌ای حتی در عصر حجر، حیات انسانی از نظم اجتماعی شبیه به مفهوم «دولت» خالی نبوده است (منتظری، ۱۴۰۹: ۱۰۱) اثر به سزایی در رشد اجتماعی و ملی دارد؛ چرا که یکی از حیاتی‌ترین لوازم زندگی بشری، دستگاهی جهت تکفل نظم اجتماعی است تا از هرج و مرج و اختلال در نظام زندگی اجتماعی جلوگیری نماید^(۱). در نتیجه تشکیل حکومت برای مقابله با هرج و مرج و حفظ نظم اجتماعی ضروری بوده و اگر فرض نماییم که روزی جامعه انسانی به مرحله‌ای از رشد خواهد رسید که انصاف و ایثار در همه روابط بر زندگی بشر حاکم گردد و همه رذایل از زندگی انسان رخت بربندد، همچنان برای رشد همه جانب‌آحاد اعضای جامعه و آزادشدن ظرفیت‌های آنان، به نظامی جهت سر و سامان بخشیدن به امور اجتماعی نیاز خواهد بود. (منتظری، ۱۴۰۹: ۲۸۶)

از طرف دیگر باید دانست که اولاً، احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی هر چه بشر نیاز دارد فراهم آمده است و برای همه مراحل رشد بشر دستور و قانون دارد^(۲) تا انسان تربیت کند و از تبعیت در احکام اسلامی واضح می‌گردد که اسلام تا چه حد به حکومت و روابط سیاسی و اقتصادی جامعه اهتمام می‌ورزد تا همه شرایط به خدمت تربیت انسان

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

ارسطو، سیاست، ترجمه: حمید عنایت، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۲۶.

افلاطون، جمهور، ترجمه: فواد روحانی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۲۶.

عبدالرحمن خلدون، مقدمه ابن خلدون، محمد پروین گنابادی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۴۱.

طباطبایی سیدمحمد حسین، روابط اجتماعی در اسلام، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی، ۱۳۸۴، ص ۲۰.
منتظری نجف‌آبادی، حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ۸ جلد، ج ۱، مترجم صلواتی، محمود و شکوری، ابوالفضل، مؤسسه کیهان، اول، قم، ۱۴۰۹ ه. ق. ص ۲۹۰ به بعد.

۲. در کتاب اصول کافی فصلی است با عنوان «باب الردّ الی الکتاب و السنّة... و جمیع ما یحتاج الناس إلیه إلّا و قدّ جاء فیہ کتابُ أو سنّة»، که روایات با موضوع «تمام احتیاجات مردم در کتاب و سنت بیان شده است» ذیل آن گردآوری شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۵۹-۶۲)

مذهب و با فضیلت درآید (امام خمینی (ره)، ۱۴۲۳: ۲۹).

ثانیاً، با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع در می‌یابیم که اجرای و عمل به برخی از آنها مستلزم تشکیل حکومت است؛ و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره نمی‌توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد (امام خمینی (ره)، ۱۴۲۳: ۲۹) و تردیدی در این نیست که تشکیل یک دستگاه عظیم و پهناور برای اجرا و اداره احکام الهی بدون اجتماع مسلمین و هماهنگی آنان در کار تشکیلاتی میسر نخواهد شد.

در نتیجه می‌توان گفت، تشکیل حکومت به صورت یک کار جمعی و تشکیلاتی ذیل یک مدیریت واحد به عنوان مقدمه‌ای برای تحقق واجب - که همان اجرای احکام الهی باشد- ضروری و واجب بوده و چنانچه تحقق احکام اسلامی متوقف بر آن باشد بر همه مسلمانان واجب است تا در این امر مشارکت نمایند زیرا عدم مشارکت فعالانه مردم در مرحله ایجاد و استمرار حکومت اسلامی، ایجاد و تشکیل و ادامه آن را عملاً غیر ممکن می‌سازد و در این صورت منجر به تعطیلی احکام الهی می‌شود که شارع مقدس راضی به این امر نیست. لذا حضور در این عرصه برای آن که امر شارع مقدس به منصه ظهور برسد بر همه مردم واجب بوده و تکلیف الهی آنها قلمداد می‌شود (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۲: ۱۶).

ب- تشکیلات درون حکومتی

در درون هر حکومتی تشکیلات و نهادهای مختلفی وجود دارد. در یک نوع تقسیم‌بندی می‌توان تشکیلات درون حکومتی را به دو نوع تشکیلات دولتی (حکومتی) و غیر دولتی و مردمی تقسیم کرد.

۱- تشکیلات دولتی (حکومتی)

باید دانست که اگر متغیرهایی چون میزان پیچیدگی و اندازه و شدت رفتارهای سیاسی مورد توجه قرار گیرد، دولت‌ها دشوارترین سازمان‌های قابل مدیریت محسوب می‌شوند (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۳). البته طبیعی است که اداره کردن سازمانی که اهداف مشخص و معینی دارد بسیار سهل‌تر از راهبری جامعه‌ای است که اهداف آن فراخور احوال و تمایلات نسل‌های متوالی تغییر می‌کند (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۶).

منظور از تشکیلات دولتی یا حکومتی همان اشخاص حقوقی حقوق عمومی است که بوجود آورندگان آنها اشخاص حقوق عمومی نهادها یا مقامات عالی دولت می‌باشند.

در ایران، برخی از اشخاص حقوق عمومی به فرمان رهبری (فرماندهی کل قوا)^(۱)، و برخی دیگر به موجب قوانین مجلس شورای اسلامی^(۲) و نیز تعدادی به موجب آیین نامه‌های هیأت وزیران^(۳) و بالاخره تعدادی دیگر به موجب مصوبات شوراهای عالی کشور^(۴) تأسیس شده‌اند (موسی زاده، ۱۳۸۶: ۷۵).

در یک طبقه بندی کلی می‌توان انواع اشخاص حقوقی در بخش دولتی را در دسته بندی زیر تقسیم بندی کرد: سازمان‌های مرکزی کشور شامل وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی، موسسات دولتی، شرکت‌های دولتی و شوراهای محلی.

۲- تشکیلات غیر دولتی

منظور از تشکیلات غیر دولتی آن دسته از اشخاص حقوقی حقوق خصوصی است که موسسین یا ایجاد کنندگان آنها اشخاص حقیقی یا اشخاص حقوقی حقوق خصوصی می‌باشند. بعضی اوقات، اشخاص حقیقی (انسان‌ها) به منظور دست یابی به اهداف و منافع مشترک اقدام به تشکیل یک شخص حقوق خصوصی مانند شرکت تجاری، حزب سیاسی، سمن، موسسه خیریه و ... می‌کنند (موسی زاده، ۱۳۸۶: ۷۳).

تشکیلات غیر دولتی که در علم مدیریت با عنوان سازمان غیر رسمی شناخته می‌شوند اگرچه در سطح خرد معمولاً بر اساس منافع گروه‌های کوچک کاری در ساختار داخلی سازمان ظاهر می‌شوند اما در سطح کلان مناسبات غیر رسمی فرا سازمانی معمولاً در حوزه‌های گسترده رقابت سیاسی میان گروه‌ها و احزاب اجتماعی سازمان می‌یابند (پورعزت، ۱۳۸۹: ۶۷).

بارنارد در بحث از سازمان‌های غیر رسمی و رابطه آنها با سازمان‌های رسمی، دو پیامد را برای آنها ذکر می‌کند:

- سازمان غیر رسمی موجب بروز برخی طرز تلقی‌ها، فهم‌ها، و شکل‌گیری برخی مراسم، عادت‌ها، و نهادها می‌شود؛

۱. مانند تأسیس مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی مصوب ۱۳۷۲/۷/۱۴

۲. مانند قانون راجع به تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۱۲

۳. مانند آیین نامه راجع به اساسنامه جدید سازمان زمین شهری مصوب ۱۳۶۷/۴/۱۵

۴. مانند موسسه آموزش عالی باقرالعلوم که بر اساس مصوبه شورای عالی گسترش آموزش عالی مورخ ۱۳۷۱/۷/۱۱ تأسیس شده است.

– سازمان غیر رسمی شریاطی را ایجاد می کند که ممکن است سازمان رسمی را ارتقاء دهد. وی معتقد است که یکی از کارکردهای سازمان غیر رسمی، ایجاد انسجام در سازمان رسمی است (پورعزت، ۱۳۸۹: ۶۷).

تشکیلات غیر دولتی شامل سازمان های فنی-تخصصی، نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی و سایر اشخاص حقوق عمومی با وضعیت خاص می شود.

در میان تشکیلات غیر دولتی به آن دسته از شخصیت های حقوقی غیر انتفاعی و غیر تجاری ای که توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی و بدون شرکت یا نمایندگی دولت برای تحقق اهداف خیرخواهانه، بشر دوستانه و غیر مجرمانه به وجود آمده اند، سازمان های مردم نهاد – که به اختصار سمن نیز نامیده می شوند – می گویند. ظرفیت شکل گیری این نهادها، جامعه مدنی و نظام های مردم سالار است. در همین جا باید اشاره کرد که سمن اساساً نمی تواند قالب یک حزب سیاسی را به خود گیرد و باید ماهیت غیر دولتی بودن و غیر مجرمانه بودن خود را حفظ کند و به صورت خودجوش و مستقل عمل کند. (غمامی، ۱۳۹۰: ۳۳۶)

در جمهوری اسلامی ایران نظام قانونی حاکم بر سازمان های مردم نهاد حاصل آیین نامه ی اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان های مردم نهاد مصوب هشتم مرداد سال ۱۳۸۴ هیئت وزیران می باشد. این آیین نامه ی ۳۳ ماده ای در ماده اول خود سازمان های مردم نهاد را اینگونه تعریف می کند: «سازمان غیردولتی که در این آیین نامه «سازمان» نامیده می شود، به تشکلهایی اطلاق می شود که گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی می باشد.»^(۱)

۱. این ماده در تبصره های خود به توضیح برخی از این عبارات پرداخته است: «تبصره ۲- واژه «غیردولتی» به این معناست که دستگاه های حکومتی در تأسیس و اداره سازمان دخالت نداشته باشند. مشارکت مقامات و کارکنان دولتی در تأسیس و اداره سازمان، در صورتی که خارج از عنوان و سمت دولتی آنان باشد، مانع وصف غیردولتی سازمان نخواهد بود. تبصره ۳- اهداف غیرسیاسی در بردارنده فعالیت است که مشمول ماده یک قانون احزاب نگردد. تبصره ۴- اهداف غیرانتفاعی عبارتست از عدم فعالیت های تجاری و صنفی انتفاعی به منظور تقسیم منافع آن بین اعضاء، مؤسسان، مدیران و کارکنان سازمان. تبصره ۵- داوطلبانه به معنای مشارکت و تأسیس و اداره سازمان بر اساس اصل آزادی اراده اشخاص است.»

البته نباید از نظر دور داشت که گروه‌های فعال در مساجد، تکایا و هیئت‌های مذهبی را می‌توان جزء نهادهای غیر دولتی سنتی و قدیمی دانست و پس از آن صندوق‌های قرض الحسنه، خیریه‌ها، انجمن‌های اسلامی و انجمن‌های علمی و ... هم که شکل جدیدتر نهادهای مدنی هستند را جزو سازمان‌های مردم نهاد جدید لحاظ کرد که هر کدام از این‌ها در قالب کار تشکیلاتی منسجم و منظم یک کار جمعی و گروهی را بر اساس اهداف ترسیم شده خود بر عهده دارند.^(۱)

دسته‌ای دیگر از تشکیلات غیر دولتی شامل احزاب می‌شود که دارای اهداف سیاسی هستند. احزاب در واقع حاصل توجه سازمان یافته‌ی اجتماعی به امور عمومی جامعه ملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی هستند که مشارکت مردمی برای استقرار، دوام و پیشرفت یک جامعه را در عصر کنونی امکانپذیر می‌سازند (غمامی، ۱۳۹۰: ۳۲۸).

احزاب سیاسی بازیگرانی هستند که با توسعه حق رأی همگانی در عرصه‌های سیاسی جدید شکل گرفته‌اند. اینگونه تشکله‌ها از قرن نوزدهم وارد صحنه سیاسی جوامع اروپای غربی شدند و پس از آن به تدریج به سراسر جهان تسری یافتند. تفاوت احزاب با گروه‌های سیاسی قبلی، برخورداری از سازمان و تشکیلات اداری پیشرفته‌تر بود (پورعزت، ۱۳۸۹: ۳۵۳).

حزب در اصطلاح با داشتن شخصیت حقوقی مستقل به سازمان سیاسی‌ای اطلاق می‌شود که از همفکران و طرفداران یک آرمان تشکیل شده است و با داشتن یک تشکیلات منظم، برنامه‌های سیاسی کوتاه مدت و دراز مدت برای نیل به آرمانشان از دیگر اشکال سازمانی مانند جبهه و گروه سیاسی مشخص می‌شود و معمولاً برای گرفتن قدرت دولتی و یا شرکت در آن مبارزه می‌کنند. با این وجود احزاب صرفاً جهت‌گیری و کارکرد سیاسی نداشته و در حوزه‌های اقتصادی، حقوق، اخلاق، فرهنگ، دین و مذهب نیز وارد می‌شوند ولی نهایتاً از حیث گرایش به قدرت از سازمان‌های مردم نهاد جدا می‌شوند (غمامی، ۱۳۹۰: ۳۲۹).

۱. در دسته بندی سازمان‌های مردم نهاد نمی‌توان قواعد خاصی را تعیین کرد زیرا تعدد و گسترش آنها به سرعت رخ می‌دهد. اما برخی انواع تشکیلات غیر دولتی شامل این موارد می‌شود: سمن‌های بین‌المللی راهنمایی‌کننده امور تجاری یا سمن‌های بین‌المللی بزرگ، نهادهای جامعه مدنی، سمن‌های خیریه، سمن‌های بین‌المللی، سمن‌های محیط زیست، سمن‌های تحت اداره دولت، سمن‌های نیمه خودگردان و غیر دولتی و نهادهای حمایت مردمی. (غمامی، ۱۳۹۰: ۳۳۶)

در این خصوص اصل بیست و ششم قانون اساسی، تشکیل، فعالیت و عضویت در احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده را آزاد و به رسمیت شناخته است، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند. طبیعی است که احزاب سیاسی به شرط داشتن آزادی و انگیزه و امکان مبارزه قادر به ایجاد بیشترین خلاقیت ها نسبت به حل مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه می باشند (هاشمی، ۱۳۸۸: ۲۵۹)

شاخصه های کار تشکیلاتی در قالب حکومت اسلامی در عصر پیامبر (ص)

الف- مرامنامه (مانیفست)

پیامبر (ص) برای استقرار نظام سیاسی - مدیریتی در مدینه، در نخستین سال هجرت، پیمان نامه ای به عنوان «قانون اساسی» دولت - شهر مدینه تدوین نمودند که «مهاجران و انصار» و نیز «یهود» نیز آن را امضا کردند و در آن، جایگاه حقوقی و تشکیلات جدید اداری - سیاسی مسلمانان و روابط آنان با یکدیگر و اصول سیاست ایشان را با یهود ترسیم کردند. در این پیمان نامه، هر یک از عناصر «مجتمع انسانی، حاکمیت، سرزمین جغرافیایی و امنیت»، که از شاخصه های مهم در پی ریزی «جامعه سیاسی»، «تأسیس دولت» و «کار تشکیلاتی» است، به نحو مشخص و معین مورد توجه قرار گرفت. (ثقفی، ۱۳۷۶: ۷۷)

سازمان حکومتی، که توسط پیامبر (ص) در مدینه بنا نهاده شد به طور طبیعی، از ساختاری متناسب با مقتضیات و بافت اجتماعی آن دوران و شکلی ساده و عاری از نهادها و سازمان های دولتی پیچیده برخوردار بود به شکلی که کار جمعی به نحو سهل و آسان صورت پذیرد. مدینه ای که جمعیت آن به صد هزار نفر نمی رسید و اغلب دارای زندگی ساده و مردم آن اهل روستاهای اطراف بودند و آداب و رسوم نظام قبیله ای بر آنان حاکم بوده و تجربه هیچ حکومت و دولت سیاسی را نداشتند. (جعفریان، ۱۳۷۳: ۱۰۰-۷۳)

ب- انضباط و هماهنگی جمعی

در سیره تشکیلاتی پیامبر گرامی اسلام (ص) نظم و انضباط در امور فردی و اجتماعی جایگاهی ویژه داشت (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۶۰) و ایشان اهتمام ویژه و علاقه

شدیدی به سازمان و تشکیلات برای شکل دادن و انتظام دادن به نیروهای انسانی داشت (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۶۲). ایشان تمام اصول و دقایق کار تشکیلاتی را رعایت می‌فرمود. نظم و انضباط بر همه کارهای ایشان حکمفرما بود. اوقات خویش را تقسیم می‌کرد و به این عمل توصیه می‌نمود. اصحابش نیز تحت تأثیر نفوذ ایشان دقیقاً انضباط را رعایت می‌کردند.

ج- تبعیت از فرماندهی

برخی تصمیمات را لازم می‌شمرد آشکار نکند و نمی‌کرد، مبدا که دشمن از آن آگاه گردد. یارانش نیز کاملاً به اصول تشکیلاتی پایبند بوده و تصمیماتش را بدون چون و چرا به کار می‌بستند. مثلاً فرمان می‌داد که آماده باشید فردا حرکت کنیم؛ همه به طرفی که او فرمان می‌داد همراهش روانه می‌شدند بدون آنکه از مقصد نهایی آگاه باشند؛ در لحظات آخر آگاه می‌شدند. گاه به عده‌ای دستور می‌داد که به طرفی حرکت کنند و نامه‌ای به فرمانده آنها می‌داد و می‌گفت: بعد از چند روز که به فلان نقطه رسیدی نامه را بازکن و دستور را اجرا کن. آنها چنین می‌کردند و پیش از رسیدن به آن نقطه نمی‌دانستند مقصد نهایی کجاست و برای چه مأموریتی می‌روند، و بدین ترتیب دشمن و جاسوس‌های دشمن را بی‌خبر می‌گذاشت و احياناً آنها را غافلگیر می‌کرد (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۶۰).

د- مشورت

با اینکه فرمان ایشان میان اصحاب بی‌درنگ اجرا می‌شد و آنها مکرر می‌گفتند چون به تو ایمان قاطع داریم اگر فرمان دهی که خود را در دریا غرق کنیم و یا در آتش بیفکنیم این کار را می‌کنیم، او هرگز به روش مستبدان رفتار نمی‌کرد؛ در کارهایی که از طرف خدا دستور نرسیده بود، طبق دستور قرآن کریم^(۱) با اصحاب مشورت می‌کرد و نظر آنها را محترم می‌شمرد و از این راه به آنها شخصیت می‌داد. در «بدر» مسئله اقدام به جنگ، همچنین تعیین محل اردوگاه و نحوه رفتار با اسرای جنگی را به شور گذاشت. در «احد» نیز راجع به این که شهر مدینه را اردوگاه قرار دهند و یا اردو را به خارج ببرند، به مشورت پرداخت. در «احزاب» و در «تبوک» نیز با اصحاب به شور

۱. وَ شَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ: و با آنها در کارها مشورت کن؛ هرگاه عزمت جزم شد دیگر بر خدا توکل کن و تردید به خود راه مده (آل عمران / ۱۵۹).

پرداخت (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۵۹).

ه - رعایت اخلاق تشکیلاتی

نرمی و مهربانی پیغمبر، عفو و گذشتش، استغفارهایش برای اصحاب و بیتابی اش برای بخشش گناه امت، همچنین به حساب آوردن اصحاب و یاران و طرف شور قرار دادن آنها و شخصیت دادن به آنها، از علل عمده نفوذ عظیم و بی نظیر پیامبر (ص) و اوامرش در جمع اصحاب بود. قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره می‌کند^(۱) و محبت و مهربانی خداوندی را علت این نفوذ بیان می‌کند (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۵۹).

رسول گرامی اسلام (ص) در اجرای احکام الهی با عینیت اجتماعی بخشیدن به عبادات فردی، همواره سعی می‌کردند مردم را با یکدیگر پیوند داده و انسجام اجتماعی مؤمنان را تعمیق بخشند. در تاریخ آمده ایشان در آغازین روزهای بنای حکومت اسلامی با تأسیس مسجد در میان قبایل و گذاردن نماز جمعه، اجتماعات اسلامی متعددی را پی ریزی فرمودند که در رشد و انسجام تشکیلات اسلامی بسیار مؤثر بوده است.^(۲)

ایشان برای امور اداری حکومت خود در مدینه نیز گروهی را به عنوان «دبیر» داشت. این دبیران وحی خدا، سخنان پیغمبر (ص)، عقود و معاملات مردم، عهدها و پیمان نامه‌های رسول خدا (ص) با مشرکین و اهل کتاب، دفاتر صدقات و مالیات ها، دفاتر غنائم و اخماس و نامه‌های فراوان آن حضرت را به اطراف و اکناف می‌نوشتند و

۱. قِيمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ فَعَطَّ غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ: به موجب مهربانی‌ای که خدا در دل تو قرار داده تو با یاران خویش نرمش نشان می‌دهی. اگر تو درشتخو و سخت‌دل می‌بودی از دورت پراکنده می‌شدند. پس عفو و بخشایش داشته باش و برای آنها نزد خداوند استغفار کن و با آنها در کارها مشورت کن؛ هرگاه عزمت جزم شد دیگر بر خدا توکل کن و تردید به خود راه مده (آل عمران/ ۱۵۹).

۲. در وقایع ورود ایشان به مدینه در تاریخ آمده است: «پیامبر (ص) سه شب در قبیله بنی عمرو ساکن بودند و در آن جا مسجدی را پایه ریزی فرمود که در قرآن ذکر آن آمده که بنیادش بر تقوی و پرهیزگاری بوده است، آنگاه پیامبر (ص) روز جمعه سوار شدند و بر قبیله بنی سالم عبور فرمودند و میان ایشان نماز جمعه گزاردند و این نخستین نماز جمعه بود که در مدینه گزارده آمد.» (بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۱۶۶) همچنین در خصوص ساخت مسجد و برگزاری نماز جمعه توسط پیامبر و توصیه به آن موارد متعددی وجود دارد که برای مطالعه بیشتر می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد:

طبری، ۱۳۷۵، ج ۴: ۱۲۵۹.

بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۱۸۷.

متن بسیاری از این عهدنامه‌ها و نامه‌های رسول خدا^(۱) و وظایف^(۲) و اسامی^(۳) برخی از این دبیران در متن تاریخ ثبت شده است (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۳: ۲۱۴).

با گسترش اسلام و تشکیل حکومت اسلامی، پیامبر اعظم (ص) با طراحی و سامان دادن نظام قضایی اسلامی، تلاش خود را برای اجرای حق و عدالت در حکومت اسلامی به کار گرفتند. ایشان در همین راستا بعضی از اصحاب مورد اعتماد خود را برای حکومت توأم با حق دادرسی و رسیدگی به شکایات مردم به حوزه‌های قضایی بیرون از حجاز می‌فرستاد و اینگونه تشکیلات قضایی خود را ایجاد کرد.

۱. محمد بن سعد در الطبقات الکبری در حدود صد نامه از آن حضرت که متن برخی از آنها را آورده است نقل می‌کند «محمد بن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۱۹۹-۲۲۳».

۲. مسعودی در التنبیه و الاشراف تا اندازه‌ای تفصیل می‌دهد که این دبیران، هر کدام چه نوع کاری را به عهده داشته‌اند و نشان می‌دهد که این دبیران بیش از این توسعه کار داشته و نوعی نظم و تشکیلات و تقسیم کار در میان بوده است. می‌گوید: «خالد بن سعید بن العاص پیش دست رسول خدا بود، حاجتهای متفرقه‌ای که پیش می‌آمد می‌نوشت؛ همچنین مغیره بن شعبه و حصین بن نمیر. عبد الله بن ارقم و علاء بن عقبه سندهای مردم و عقود و معاملات آنها را می‌نوشتند. زبیر بن العوأم و جهیم بن الصلت صورت مالیات و صدقات را ضبط می‌کردند. حذیفه بن الیمان عهده‌دار نوشتن «حرازی» حجاز بود. معقیب بن ابی فاطمه دوسی غنائم را وارد می‌کرد. زید بن ثابت انصاری نامه به حکام و پادشاهان می‌نوشت و ضمناً سمت مترجمی رسول خدا را داشت. او زبانهای فارسی و رومی و قبطی و حبشی را ترجمه می‌کرد و همه اینها را در مدینه از اهل این زبانها آموخته بود. حنظله بن الربیع ذخیره بود و هر وقت یکی از آنها که نام بردیم نبود او کارش را انجام می‌داد و به «حنظله کاتب» معروف شده بود. حنظله در زمان خلافت عمر که فتوحات اسلامی رخ داد به «رها» رفت و در همان جا فوت کرد. عبد الله بن سعد بن ابی سرح ملّتی سمت نویسندگی داشت ولی بعد مرتد شد و به مشرکان پیوست. شرحبیل بن حسنہ طابخی نیز برایش نوشته است. ابان بن سعید و علاء بن الحضرمی نیز گاهی برایش می‌نوشتند. معاویه فقط چند ماهی قبل از وفات رسول خدا برایش نویسندگی کرد. اینها کسانی هستند که رسماً ملّتی عهده‌دار سمت «دبیری» بودند؛ و اما افرادی که احياناً یک یا دو نامه برایش نوشته‌اند و جزء دبیران پیغمبر به شمار نمی‌روند ما از آنها یاد نمی‌کنیم» (مسعودی: ۲۴۵ و ۲۴۶).

۳. دبیران رسول خدا که وحی، نامه‌ها و پیمان نامه‌ها را می‌نوشتند اینان‌اند: علی بن ابی طالب (ع)، عثمان بن عفّان، عمرو بن العاص، معاویه بن ابی سفیان، شرحبیل بن حسنہ، عبد الله بن سعد بن ابی سرح، مغیره بن شعبه، معاذ بن جبل، زید بن ثابت، حنظله بن الربیع، ابی بن کعب، جهیم بن الصلت، حصین التّمیری. (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج دوم: ۴۴۶) و (الیعقوبی، ج دوم: ۸۰)

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷): النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، طناحی، محمود محمد، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، قم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق): من لا یحضره الفقیه، علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۸۸): مقدمه ابن خلدون، محمد پروین گنابادی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۵. ابن مزاحم، نصر (۱۴۰۴ ق): وقعه صفین، مصحح: هارون، عبد السلام محمد، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، قم.
۶. ارسطو (۱۳۸۱)، سیاست، ترجمه حمید عنایت، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۷. افلاطون (۱۳۸۱)، جمهور، ترجمه: فواد روحانی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم: لسان العرب، دار صادر، چاپ سوم، بیروت.
۹. ابن هشام (۱۳۷۵): زندگانی محمد (ص) پیامبر اسلام (السیره النبویه)، ترجمه سید هاشم رسولی، انتشارات کتابچی، چاپ پنجم، تهران.
۱۰. امین، سید حسن (۱۳۸۱): نظام قضایی در ایران پس از اسلام، فصلنامه تاریخ اسلام، سال سوم، شماره ۱۰.
۱۱. امین، سیده نصرت (۱۳۶۱): مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران.
۱۲. بابایی، احمد علی (۱۳۸۲): برگزیده تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۱۳. باقی نصرآبادی، علی (۱۳۸۲): مبانی جامعه شناسی، چاپ اول، انتشارات یاقوت.
۱۴. بیهقی، ابو بکر احمد بن حسین (۱۳۶۱): دلائل النبوه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۱۵. پور عزت، علی اصغر (۱۳۸۹): مبانی دانش اداره دولت و حکومت، انتشارات سمت، چاپ دوم، قم.
۱۶. پورمولا، سید محمد هاشم (۱۳۸۳): ضرورت تشکیلات برای دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر (با تکیه بر فقه شیعه)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۷. ثقفی، سید محمد (۱۳۷۶): ساختار اجتماعی و سیاسی نخستین حکومت اسلامی در مدینه، هجرت، قم.
۱۸. جاسم، محمد حسین (۱۳۸۵): تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، مترجم سید محمدتقی آیت اللهی، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، تهران.
۱۹. جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۹): شواهد النبوه، چاپ سیدحسن امین، طیب، تهران.
۲۰. جباری، محمد رضا (۱۳۸۰): سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری، فصلنامه «انتظار موعود» شماره ۱، پاییز ۱۳۸۰.

۲۱. جعفریان، رسول (۱۳۷۳): تاریخ سیاسی اسلام، سیره رسول الله (صلی الله علیه و آله)، سازمان چاپ و انتشارات، تهران.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱): جامعه در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم.
۲۳. حسینی روحانی قمی، سید صادق (۱۴۱۲ ق): فقه الصادق علیه السلام، دار الکتب، مدرسه امام صادق (ع)، چاپ اول، جلد ۱۳، قم.
۲۴. حمیدالله، محمد (۱۳۷۴): نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و اسناد صدر اسلام، ترجمه محمد حسینی، سروش، تهران.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد: مفردات ألفاظ القرآن، انتشارات دار القلم، بی تا، چاپ اول، بیروت.
۲۶. طباطبائی (علامه)، سید محمد حسین (۱۳۷۴): ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، قم.
۲۷. طباطبائی (علامه)، سید محمد حسین (۱۳۸۴)، روابط اجتماعی در اسلام، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبائی.
۲۸. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵): تاریخ طبری، ترجمه ابو القاسم پاینده، اساطیر، چاپ پنجم، تهران.
۲۹. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵): مجمع البحرین، مصحح حسینی اشکوری احمد، انتشارات مرتضوی، چاپ سوم، تهران.
۳۰. طلالکی، اکبر (۱۳۹۱): «بررسی تحلیلی نحوه تحقق اصل هشتم قانون اساسی با نگاهی به الگوی نهاد ملی حقوق بشر و نهاد حسبه» رساله دکتری حقوق عمومی، دانشگاه تهران.
۳۱. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ ق): تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، مصحح: خراسان، حسن الموسوی، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، تهران.
۳۲. غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۰): حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران.
۳۳. فصیحی، عبدالحق (۱۳۸۶): نمونه‌هایی از شیوه‌های قضایی پیامبر، فقه پژوهان، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶.
۳۴. فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۲): نقش مردم در تشکیل، اداره و حفظ حکومت اسلامی، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، گزارش پژوهشی شماره ۱۳۹۲۰۰۲۲.
۳۵. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ م)، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیه، چاپ ششم، جلد ۷، تهران.
۳۶. کاتب واقدی، محمد بن سعد (۱۳۷۴): طبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، انتشارات فرهنگ و اندیشه، تهران.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ ق): الکافی، دار الحدیث، قم.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق)، الکافی، غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، تهران.
۳۹. محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری (۱۴۱۰ ق): الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۴۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق): بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، بیروت.

۴۱. المسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین (بی تا): التنبيه والإشراف، تصحيح عبد الله اسماعيل الصاوي، دار الصاوي (افست قم: مؤسسه نشر منابع الثقافه الاسلاميه)، القايره.
۴۲. مصباح يزدي، محمد تقی (۱۳۹۱): پرسش‌ها و پاسخ‌ها (۱-۵)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ هشتم، قم.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳): مجموعه آثار استاد شهید مطهری، نرم افزار مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، بی تا، ج ۲، انتشارات صدرا، تهران.
۴۴. منتظری نجف‌آبادی، حسین علی (۱۴۰۹ ق): مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم صلواتی محمود و شکوری ابوالفضل، مؤسسه کیهان.
۴۵. منتظری نجف‌آبادی، حسین علی (بی تا)، رساله استفتاءات (منتظری)، قم، چاپ اول، جلد ۲.
۴۶. موسی زاده، رضا (۱۳۸۶): حقوق اداری ۱-۲، نشر میزان، چاپ هشتم، تهران.
۴۷. موسوی خمینی (امام)، سید روح الله (۱۴۲۳ ق)، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴۸. موسوی خمینی (امام)، سید روح الله (۱۴۲۴ ق)، توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هشتم، جلد ۲.
۴۹. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۸): حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر میزان، جلد اول، چاپ نهم، تهران.
۵۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی (بی تا): تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت.
۵۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۱): تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ششم، تهران.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir